Semnan University

Climate and Ecosystem
of Arid and Semi-arid Regions

https://ceasr.semnan.ac.ir



Research Article

Factors Affecting Physical-Spatial Transformations in Rural Settlements with Emphasis on Land Use: A Case Study of the Shiraz-Sepidan Tourism Corridor

***Sohiela Mohammadi*[a,*], *Manijeh Ahmadi*[b] *and Behroz Mohammadi yaganeh*[c]**

[a]Ph.D. Student in Geography, Department of Rural Planning, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran
[b]Assistant Professor, Department of Geography, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran
[c]Associate Professor, Department of Geography, Faculty of Humanities, University of Zanjan, Zanjan, Iran

ARTICLE INFO

Article type:
Research Full Paper

Article history:
Received: 31 January 2026
Revised: 05 May 2026
Accepted: 29 August 2026

Keywords:
Physical-spatial developments,
Land use changes,
Rural settlements,
Shiraz-Sepidan tourism axis.

EXTENDED ABSTRACT

Background and Objectives: The present study aimed to identify and explain the factors affecting physical-spatial changes in rural settlements along the Shiraz-Sepidan tourism corridor with an emphasis on land use changes. The study is applied in purpose, adopts an objective-subjective epistemological perspective, and uses a mixed-methods approach with a concurrent strategy.

Materials and Methods: Grounded theory and the Delphi method were used to analyze the qualitative data, while a one-sample t-test was used to analyze the quantitative data.

Results: The quantitative results showed that land use changes have acted as a key determinant of physical-spatial transformations in villages along the Shiraz-Sepidan tourism corridor. These changes have transformed the spatial, economic, social and environmental structure of the villages through complex, multilayered mechanisms. The qualitative analysis using grounded theory identified three groups of factors from the interviews. Causal factors comprised tourism infrastructure development, land and housing market pressure, government policies and regional planning, changes in livelihood patterns and local economies, and the growth of remote work and increasing demand for quiet natural settings. Contextual factors included natural and geographical features, strategic location and accessibility, cultural and social capital, demographic conditions and human resources, and economic potential. Intervening factors comprised economic-livelihood, socio-cultural, environmental and physical, institutional-management, and technological-infrastructural factors affecting physical-spatial transformations in rural settlements, with an emphasis on land use changes. The results of this research clearly show that tourism development along the Shiraz-Sepidan tourism corridor has acted as a double-edged sword. On the one hand, the creation of tourism infrastructure and improved accessibility have created new economic opportunities for local residents and generated additional income by changing livelihood patterns from traditional agriculture to tourism-related activities. On the other hand, these developments have had significant social and environmental costs that require careful management. Land use plays a key role in this process by linking all dimensions of development. Land use change is not only a physical transformation, but also a reflection of the interaction of economic forces, government policies, and social values. The results of the study show how regional planning policies, market demand for second homes, and natural attractions have together shaped a

* **Corresponding author:** *sohilamohammadi97@gmail.com*

new pattern of residence and activity in this tourism axis. The interplay of these factors has led to the formation of a complex, multilayered pattern of physical-spatial transformations. Finally, the findings of this study have important policy implications for regional planners and managers. Success in managing rural settlement transformations requires adopting a comprehensive and integrated approach that can balance the economic, social, environmental, and physical dimensions of development. Future planning should move towards a sustainable tourism development model informed by a clear understanding of the mechanisms driving spatial change. Such a model should preserve the region's cultural and environmental identity while providing sustainable livelihood opportunities for local communities. The findings indicate that achieving balanced and sustainable rural development will remain challenging unless the multidimensional consequences of land use changes are considered.

Cite this article as: Mohammadi, s., Ahmadi, m.,& Mohammadi yaganeh, b.(2026)Factors Affecting Physical-Spatial Transformations in Rural Settlements with Emphasis on Land Use: A Case Study of the Shiraz-Sepidan Tourism Corridor. *Climate and Ecosystem of Arid and Semi-arid Regions,* 3(1), 134-158.

© 2026 Published by Semnan University Press.
https://doi.org/10.22075/ceasr.2026.40488.1067

مقاله پژوهشی

عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی (مورد مطالعه: محور گردشگری شیراز- سپیدان)

سهیلا محمدی [۱*]، منیژه احمدی[۲] و بهروز محمدی یگانه [۳]

۱- دانشجوی دکتری جغرافیا، گروه برنامه‌ریزی روستایی، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

۲- استادیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

۳- دانشیار، گروه جغرافیا، دانشکده علوم انسانی، دانشگاه زنجان، زنجان، ایران

***: نویسنده مسئول** sohilamohammadi97@gmail.com

اطلاعات مقاله

نوع مقاله:
مقاله کامل علمی- پژوهشی

تاریخ دریافت: ۱۴۰۴/۱۱/۲۱
تاریخ ویرایش: ۱۴۰۵/۰۲/۱۶
تاریخ پذیرش: ۱۴۰۵/۰۶/۰۷

واژه‌های کلیدی:
تحولات کالبدی-فضایی، تغییرات کاربری اراضی، سکونتگاه‌های روستایی، محور گردشگری شیراز- سپیدان.

چکیده

سابقه و هدف: پژوهش حاضر با هدف شناسایی و تبیین عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی محور گردشگری شیراز- سپیدان با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی انجام شده است. از این رو، به لحاظ هدف، کاربردی و از جنبه معرفتی دارای ماهیت عینی-ذهنی و از لحاظ روش، آمیخته و دارای راهبرد هم‌زمان است.

مواد و روش‌ها: به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از تئوری زمینه‌ای و دلفی در روش کیفی و از آزمون t تک‌نمونه‌ای در روش کمّی استفاده شده است.

یافته‌ها: نتایج در بخش کمّی نشان داد که تغییرات کاربری اراضی به‌عنوان عامل کلیدی و تعیین‌کننده در تحولات کالبدی-فضایی روستاهای محور گردشگری شیراز- سپیدان عمل کرده است. این تحولات از طریق مکانیسم‌های پیچیده و چندلایه، ساختار فضایی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی این روستاها را دگرگون ساخته است. در این بین، بر اساس نتایج در بخش کیفی با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای، مقولاتِ توسعه زیرساخت‌های گردشگری، فشار بازار زمین و مسکن، سیاست‌های دولتی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی و رونق دورکاری و افزایش تقاضا برای مکان‌های خلوت و طبیعت به‌عنوان عوامل علّی، مقولاتِ ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، موقعیت استراتژیک و دسترسی، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، شرایط جمعیتی و نیروی انسانی و پتانسیل‌های اقتصادی به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و مقولاتِ اقتصادی-معیشتی، اجتماعی-فرهنگی، محیط‌زیستی و کالبدی، نهادی-مدیریتی و فناورانه-زیرساختی، به‌عنوان عوامل مداخله‌گر مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی از سوی مصاحبه‌شوندگان استخراج شد.

نتیجه‌گیری: نتایج این پژوهش به‌خوبی نشان می‌دهد که توسعه گردشگری در محور شیراز- سپیدان، همچون شمشیری دو لبه عمل کرده است. از یک سو، ایجاد زیرساخت‌های گردشگری و بهبود دسترسی، فرصت‌های اقتصادی جدیدی را برای ساکنان محلی ایجاد کرده و با تغییر الگوی معیشت از کشاورزی سنتی به فعالیت‌های وابسته به گردشگری، درآمدزایی جدیدی را به ارمغان آورده است. اما از سوی دیگر، این تحولات، هزینه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی قابل توجهی داشته که نیازمند مدیریت هوشمندانه است. در تبیین این پدیده، می‌توان به نقش کلیدی "کاربری اراضی" به‌عنوان حلقه اتصال تمامی ابعاد توسعه اشاره کرد.

تغییر کاربری اراضی تنها یک تحول فیزیکی نیست، بلکه بازتابی از تقابل نیروهای اقتصادی، سیاست‌های دولتی و ارزش‌های اجتماعی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تقاضای بازار برای ویلاهای دوم، و جاذبه‌های طبیعی در کنار هم، الگوی نوینی از سکونت و فعالیت را در این محور گردشگری شکل داده‌اند. این تقابل و تعامل عوامل مختلف، منجر به شکل‌گیری بافتی پیچیده و چندلایه از تحولات کالبدی-فضایی شده است. در نهایت، یافته‌های این پژوهش حاوی پیام‌های سیاستی مهمی برای برنامه‌ریزان و مدیران منطقه‌ای است. موفقیت در مدیریت تحولات سکونتگاه‌های روستایی، مستلزم اتخاذ رویکردی همه‌جانبه‌نگر و یکپارچه است که بتواند بین ابعاد مختلف توسعه - اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و کالبدی - تعادل برقرار کند. برنامه‌ریزی آتی باید با شناخت دقیق مکانیسم‌های تأثیرگذار بر تحولات فضایی، به سمت الگویی از توسعه پایدار گردشگری حرکت کند که هم‌زمان هم به حفظ هویت فرهنگی و محیط‌زیستی منطقه توجه داشته باشد و هم فرصت‌های معیشتی پایدار را برای جوامع محلی فراهم آورد. این پژوهش به‌خوبی نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن تبعات چندبعدی تغییرات کاربری اراضی، دستیابی به توسعه متوازن و پایدار در مناطق روستایی با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

استناد: محمدی، س.، احمدی، م. و محمدی یگانه، ب. (۱٤۰۵) عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی- فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی (مورد مطالعه: محور گردشگری شیراز- سپیدان). *اقلیم و بوم‌سازگان مناطق خشک و نیمه‌خشک*، ۳(۱)، شماره ۱۵۸-۱۳٤.

ناشر: دانشگاه سمنان

DOI: https://doi.org/10.22075/ceasr.2026.40488.1067

۱- مقدمه

با وجود رشد شتابان شهرنشینی در جهان، الگوی زیست روستایی کماکان به‌عنوان شیوه‌ای منحصربه‌فرد و تأثیرگذار در اسکان جمعیت و سازماندهی فعالیت‌های انسانی مطرح است (عمار، ۲۰۱۳: ٦۱). این سکونتگاه‌ها را می‌توان عرصه‌های جغرافیایی و چشم‌اندازهای مکانی-فضایی دانست که حاصل برهم‌کنش و تلفیق پیچیده‌ای از عوامل طبیعی و نیروهای فرهنگی-انسانی هستند (Monshizadeh و Sadeghi، ۲۰۱۰: ۱۱۸). در تحلیل پویایی این عرصه‌ها باید در نظر داشت که هر نظام فضایی، از جمله روستاها، نه‌تنها از نیروها و روندهای درونی محیط خود اثر می‌پذیرد، بلکه به‌صورت فعال و اغلب شکننده‌ای تحت تأثیر نیروها و روندهای بیرونی ناحیه‌ای، ملی و حتی جهانی قرار دارد (صادقی و همکاران، ۲۰۱۸: ۲۰). این تعامل پویا بین عوامل درونی و بیرونی است که در نهایت سیر تحولات کالبدی-فضایی و کارکردی سکونتگاه‌های روستایی را شکل می‌دهد. در این راستا، تغییرات کاربری اراضی به‌عنوان تجلی عینی و عملیاتی همین تعامل پویا، نقش سازنده یا مخربی در جهت‌دهی به ماهیت و مسیر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی ایفا می‌کند. از این رو، سطح زمین در مناطق روستایی در اثر فعالیت‌های انسانی پیوسته در حال تغییر است (Vijayana و همکاران، ۲۰۲۱)، که این تغییرات در شدیدترین حالت ممکن می‌تواند با نوع کاربری زمین به‌صورت منطقه‌ای ارتباط داشته باشد. تغییر کاربری زمین و پوشش زمین (LULCC) یک اصطلاح کلی برای تغییر سطح زمین توسط انسان است (Daatakullo و همکاران، ۲۰۲۱). تغییر کاربری اراضی شامل تغییر نوع کاربری‌ها و تغییر در نحوه پراکنش و الگوهای فضایی فعالیت‌ها و کاربری‌ها است (Briassoulis و همکاران، ۲۰۰۰)، به‌طوری که متغیرها و عوامل مختلفی را در سطوح متفاوت اجتماعی و فضایی در برمی-گیرد (Valbuena و همکاران، ۲۰۱۰)، و اثرات برجسته‌ای در توازن اکوسیستم، تجدید نسل و آسایش و رفاه دارد (Srivastaia و همکاران، ۲۰۱۲). در همین راستا، تغییرات کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی ارتباط نزدیکی با

توسعه گردشگری دارد. گردشگری روستایی از جنبه کالبدی-فضایی معمولاً پیامدهای متفاوتی دارد که نتایج مثبت آن شامل بهبود و توسعه زیرساخت‌ها، مقاوم‌سازی مساکن، حفظ بافت و الگوی اولیه روستا، استفاده از مواد و مصالح موجود در روستا برای ساخت‌وساز، حفظ الگوی معماری بومی سنتی و تولید محصولات کشاورزی جهت عرضه به گردشگران و نتایج منفی شامل فرسودگی راه‌ها و شبکه‌های ارتباطی به دلیل تردد زیاد، تخریب آثار و بناهای تاریخی، تغییر و جابه‌جایی بافت سکونتگاه‌ها، عدم استفاده از مواد و مصالح بومی، تغییر در شیوه ساخت‌وساز، تغییرات کاربری زمین و رشد و ازدحام جمعیت است (Jafari و Shakhali، ۲۰۱۶). در پی این فرایند، همواره سکونتگاه‌های روستایی در ایران نیز در معرض دگرگونی‌هایی قرار می‌گیرند که اغلب در بیرون و درون عرصه‌های روستایی شکل می‌گیرند و جلوه‌های گوناگون آن‌ها در عرصه‌های روستایی به صور مختلف در زمینه‌های متنوع تجلی می‌یابند. یکی از عوامل مؤثر در این دگرگونی‌ها، توسعه گردشگری است که به‌صورت پدیده‌ای خودانگیخته و فاقد انسجام، برنامه منظم و مدیریت کنترل‌شده رخ می‌دهد (عمار، ۲۰۰۶). توسعه گردشگری بدون برنامه در ایران می‌تواند به محیط‌زیست طبیعی آسیب برساند و موجب هدایت کشاورزان به فعالیت‌های غیرکشاورزی و توسعه ساخت‌وساز با الگویی نامنظم در مناطق مسکونی شود (Dong و همکاران، ۲۰۰۸). از این رو، تغییرات کاربری زمین در مقاصد گردشگری به حدی است که زمین از تأمین نیازهای ساکنین روستایی فاصله گرفته و به وسیله‌ای برای رضایت گردشگران تبدیل می‌شود. همچنین، روستاها از فرم سنتی روستایی خود خارج شده و در محدوده جغرافیایی خود و در بستر تعاملات میان مدیران محلی، روستاییان و سرمایه‌داران، با تقاضای شدید ناشی از ورود گردشگران مواجه می‌شوند (Xi و همکاران، ۲۰۱۵). در این راستا، محور گردشگری شیراز-سپیدان به دلیل برخورداری از مناظر طبیعی بکر، آب‌وهوای مطبوع و جاذبه‌های تاریخی، به یکی از قطب‌های مهم گردشگری در جنوب ایران تبدیل شده است. این محور که از شهر شیراز آغاز می‌شود و به سمت شهرستان سپیدان امتداد می‌یابد، از میان سکونتگاه‌های روستایی عبور می‌کند که هر یک دارای پتانسیل‌های گردشگری منحصربه‌فردی هستند. با این حال، توسعه گردشگری در این منطقه، تغییرات گسترده‌ای در کاربری اراضی و تحولات کالبدی-فضایی روستاها ایجاد کرده است. بر این مبنا، با افزایش تقاضا برای خدمات گردشگری، زمین‌های کشاورزی و مرتعی در این محور به تدریج به کاربری‌های مسکونی، تجاری و خدماتی تغییر یافته‌اند. این تغییرات به‌ویژه در روستاهای نزدیک به جاذبه‌های گردشگری مشهود است. برای مثال، زمین‌هایی که پیش‌تر برای کشاورزی یا باغداری استفاده می‌شدند، اکنون به اقامتگاه‌های بوم‌گردی، رستوران‌ها و فروشگاه‌های صنایع دستی تبدیل شده‌اند. این روند اگرچه به توسعه اقتصادی منطقه کمک کرده، ولی در عین حال، منجر به کاهش زمین‌های کشاورزی و فشار بر منابع طبیعی شده است. افزایش ساخت‌وسازها و تغییرات کاربری اراضی، فشار بر منابع طبیعی مانند آب، خاک و پوشش گیاهی را افزایش داده و همچنین با افزایش تردد گردشگران و فعالیت‌های مرتبط با گردشگری، آلودگی محیط‌زیست و تخریب چشم‌اندازهای طبیعی را به همراه داشته است. از سوی دیگر، افزایش قیمت زمین، دسترسی ساکنین محلی را به زمین‌های کشاورزی و مسکونی محدود کرده و وابستگی جوامع محلی را به درآمدهای غیرکشاورزی افزایش داده است. بنابراین، گسترش تغییرات کاربری اراضی ناشی از گردشگری در این محور تأثیرات قابل توجهی بر تحولات کالبدی-فضایی روستاها داشته است، به‌طوری که الگوی معماری سنتی روستاها را تغییر داده و این موضوع به تضعیف هویت فرهنگی و معماری منطقه منجر شده است. با ورود گردشگران به روستاها و به دلیل نبود یک رویکرد پایدار و برنامه‌ریزی، محیط‌های روستایی این محور شاهد شکل‌گیری هر چه بیشتر نمادهای مدرن (فروشگاه‌های زنجیره‌ای، فروشگاه‌های خرده‌فروشی خاص، رستوران‌ها و ...) در روستاها هستند. از این رو، با توجه به روند رو به افزایش تحولات کالبدی-فضایی در روستاهای مورد مطالعه، لازم است با تحلیل وضعیت تغییرات کاربری اراضی در روستاها، عوامل و نیروهایی که می‌توانند بسترساز تحولات کالبدی-فضایی در محور گردشگری شیراز-سپیدان باشند، مورد بررسی و شناخت بیشتری قرار گیرند. در این راستا،

مطالعه عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی در محور گردشگری شیراز-سپیدان از چند جهت دارای اصالت نظری است. نخست، این پژوهش در پیوند میان دو حوزه کلیدی «برنامه‌ریزی روستایی» و «جغرافیای گردشگری» قرار می‌گیرد و به درک چگونگی تأثیرپذیری ساختار فیزیکی و الگوی کاربری اراضی سکونتگاه‌ها از فشارها و فرصت‌های ناشی از توسعه گردشگری می‌پردازد. این تحقیق با تمرکز بر «کاربری اراضی» به‌عنوان شاخصی عینی و قابل سنجش از تحولات فضایی، می‌تواند به غنای چارچوب‌های نظری در زمینه تبیین مکانیسم‌های تغییر شکل سکونتگاه‌های روستایی تحت تأثیر گردشگری کمک شایانی نموده و شکاف موجود در ادبیات مربوط به اثرات فضایی-کالبدی گردشگری در مقیاس محورهای گردشگری را پر کند. از جنبه کاربردی، یافته‌های این پژوهش می‌تواند نقشه راه عملیاتی برای نهادهای متولی فراهم آورد. برای «استانداری فارس» و «اداره کل راه و شهرسازی»، نتایج این مطالعه می‌تواند مبنایی برای تدوین «طرح های آمایشی» و «ضوابط منطقه‌ای کاربری اراضی» باشد تا توسعه گردشگری در این محور، به شکل برنامه‌ریزی‌شده و پایدار هدایت شود. برای «دهیاری‌ها و شوراهای اسلامی» روستاهای مورد مطالعه، درک این عوامل به آنان کمک می‌کند تا در مقابل تغییرات ناخواسته کاربری اراضی (مانند تغییر باغات و زمین‌های کشاورزی به اماکن اقامتی و تجاری) موضعی فعالانه گرفته و برای حفظ هویت و پایداری محیطی روستای خود برنامه‌ریزی کنند. در نهایت، این پژوهش با شناسایی دقیق روندهای تحول کالبدی، به «سرمایه‌گذاران بخش خصوصی» کمک می‌کند تا با آگاهی از چارچوب‌های توسعه منطقه، تصمیم‌های سرمایه‌گذاری مسئولانه‌تری اتخاذ نمایند.

۱-۱- ادبیات تحقیق

مطالعات داخلی و خارجی مختلفی در حیطه این پژوهش انجام شده است. بنابراین، در این قسمت از پژوهش سعی شد تنها به مطالعاتی که با موضوع تحقیق همخوانی دارند، پرداخته شود. Sedighi و همکاران (۲۰۱۷) در پژوهشی تحت عنوان عوامل کالبدی و سیاسی مؤثر بر تغییر کاربری اراضی شهرستان محمودآباد، به این نتایج دست یافتند که مهم‌ترین عوامل کالبدی تغییر کاربری عبارتند از: توریستی بودن منطقه، فشار توسعهٔ شهر، افزایش ساخت‌وساز ویلاهای اجاره‌ای و گسترش حمل‌ونقل و ارتباطات. در بعد سیاسی-حقوقی نیز عوامل مهم و مؤثر عبارتند از: برخورد ضعیف با قانون‌شکنان، ضعف دستگاه‌های اجرایی در اطلاع‌رسانی به مالکان زمین‌های کشاورزی دربارهٔ نوع کاربری و ممنوعیت تغییر کاربری، ضعف نظارت دستگاه‌های دولتی، و فساد اداری و باندبازی بین برخی از کارکنان. Javanshiri و همکاران (۲۰۱۹) در پژوهشی تحت عنوان بررسی عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی مجموعه شهری مشهد، با استفاده از روش‌های اسنادی و میدانی به این نتایج دست یافتند که همجواری با کلانشهر مشهد با وزن 0.3556، شاخص‌های اقتصادی با وزن 0.457 و سیاسی-مدیریتی با وزن ۰.۲٤٦٤ بیشترین تأثیر و در مقابل، شاخص‌های محیطی کمترین تأثیر را در تحولات کالبدی سکونتگاه‌های روستایی مجموعه شهری مشهد داشته‌اند. از این رو، با توجه به نتایج همبستگی پیرسون تأثیر شاخص‌های مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی روستایی در محدوده حریم شهری مشهد و روستاهای نزدیک‌تر بیشتر بوده و به تغییر کارکردی این روستاها نیز منجر شده است. از سوی دیگر برایند پژوهش Keshvardoost و Amar (۲۰۱۰) در پژوهشی تحت عنوان آسیب‌شناسی کالبدی-فضایی توسعه گردشگری در روستاهای ساحلی (مطالعه موردی: شهرستان رشت)، حاکی از تأثیرات نظام نوین جهانی بر ابعاد کالبدی- فضایی کشورهای جنوب و در نهایت در ساختار روستاها، گسترش فضاهای ناهمگن تقاضامحور و پدیدآیی پیامدهای کالبدی ناسازگار و مداخله غیرنظام‌مند در مناطق ساحلی و پسکرانه‌ای بوده است. از این رو، فقدان برنامه‌ریزی می‌تواند عدم تحقق آثار مثبت گردشگری و به وجود آمدن پیامدهای منفی به‌ویژه در بعد کالبدی- فضایی را در پی داشته باشد و با توجه به لزوم حفظ این منبع برای تأمین نیازهای نسل کنونی و

آتی، بهره‌برداری از آن باید اصولی باشد. Sadeghloo و Erfani (۲۰۲۱) در پژوهشی با عنوان تحلیل عوامل تغییر کاربری اراضی در نواحی روستایی با استفاده از رویکرد تئوری بنیانی (مطالعه موردی: روستاهای بخش شاندیز) با استفاده از روش تئوری زمینه‌ای، به این نتایج دست یافتند که عوامل اجتماعی و حقوقی، مهم‌ترین عوامل وقوع تغییر کاربری؛ تبدیل اراضی مزروعی به مسکونی، مهم‌ترین نوع تغییر کاربری زمین؛ و اثرات زیست‌محیطی، مهم‌ترین نتایج حاصل از تغییرات کاربری در نواحی مورد مطالعه هستند. Vishkaei و همکاران (۲۰۲۳) در پژوهشی تحت عنوان «تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر گردشگری (مطالعه موردی: روستاهای ساحلی شهرستان رشت)» به این نتایج دست یافتند که گردشگری بر تحولات چهارگانه (معماری مساکن روستایی، تغییر در بافت و نظام کالبدی، تغییر در نظام کارکردی و تغییر در نظام ارتباطی) تأثیر زیادی داشته است. در مؤلفه تحولات معماری مساکن روستایی، روستاهای باغ امیربکنده با مقدار ۳.۷۸، علی زیباکنار با مقدار ۳.۲۵ و طالش‌محله با مقدار ۳.۲۲ در طبقه سوم (تأثیر زیاد) بیشترین میزان تأثیرپذیری از گردشگری را داشته‌اند و سایر روستاها در طبقه دوم (تأثیر متوسط) جای گرفته‌اند. در بعد تغییر در بافت و نظام کالبدی، روستای علی زیباکنار با مقدار ۳.۱۱ بیشترین میزان تأثیرپذیری را به خود اختصاص داده و سایر روستاها در طبقه دوم قرار گرفتند. همچنین در تغییر نظام‌های کارکردی و ارتباطی، تمام روستاهای مورد مطالعه در طبقه دوم (تأثیر متوسط) واقع شدند. علاوه بر این، نتایج مدل آراس فازی (FARAS) نشان داد که مؤلفه «تغییر در بافت و کالبد روستا» با وزن ۰.٤۱۳ و «تغییرات در نظام ارتباطی» با وزن ۰.۳۹۰، به‌ترتیب بیشترین و کمترین میزان تأثیرپذیری از گردشگری را در بین روستاهای ساحلی شهرستان رشت به خود اختصاص داده‌اند. Franco و Magalhaes (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان ارزیابی تناسب اکولوژیک تغییر کاربری زمین در مناطق حاشیه‌ای روستایی در جنوب شرقی پرتغال، به این نتایج دست یافتند که تجزیه و تحلیل تغییر کاربری و تناسب زمین از تحلیل سیاست کاربری زمین پشتیبانی می‌کند. بر این اساس، نتایج نشان داد که چگونه سیاست‌های گذشته تناسب چشم‌انداز کاربری اراضی را در نظر نگرفته‌اند. تولید کم مزارع کاج سنگی، چالش اصلی برنامه‌ریزی و احیای این منظر است. این مطالعه، علاوه بر تبیین مشکلات ناشی از استفاده نامناسب از زمین در گذشته که سیاست‌های کشاورزی ملی و اروپایی آن را ترویج کرده‌اند، مناطقی را نشان می‌دهد که اقدامات بازیابی چشم‌انداز باید در آنها تأمین مالی شود. Yang و همکاران (۲۰۲۲) در پژوهشی تحت عنوان تحول فضایی روستایی تحت تأثیر گردشگری در ایکسمن چین، به این نتایج دست یافتند که گردشگری بیشتر فضاهای روستایی را از فضای تولیدی به فضای مصرفی تبدیل کرده است، به نحوی که بسیاری از کشاورزان املاک مسکونی خود را تغییر کاربری داده‌اند. با بررسی پیشینه پژوهش‌های داخلی و خارجی و مقایسه آن با موضوع عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در محور گردشگری شیراز-سپیدان، می‌توان به این نتایج دست یافت که از نظر شباهت، مطالعاتی مانند Sedighi و همکاران (۲۰۱۷)، Javanshiri و همکاران (۲۰۱۹) و نیز پژوهش Yang (۲۰۲۲) همگی بر نقش محوری «گردشگری» به‌عنوان عامل شتاب دهنده تغییرات کاربری اراضی و دگرگونی‌های کالبدی در نواحی روستایی تأکید دارند و عوامل اقتصادی، نظارتی و موقعیت جغرافیایی را به‌عنوان متغیرهای کلیدی مشترک می‌شناسند. با این حال، تفاوت متمایزکننده پژوهش حاضر در تمرکز ویژه بر «محور گردشگری شیراز-سپیدان» به‌عنوان یک بستر جغرافیایی-کارکردی واحد و پیوسته است، برخلاف مطالعات پیشین که عمدتاً بر یک روستا، شهرستان یا مجموعه‌ای از روستاهای پراکنده تمرکز کرده‌اند. این پژوهش با نگاه به محور به‌عنوان یک سیستم یکپارچه، در پی درک پویایی‌های فضایی و تعامل عوامل در طول یک محور ارتباطی-گردشگری است، حال آنکه بیشتر تحقیقات پیشین، از جمله پژوهش Vishkaei و همکاران (۲۰۲۳)، به بررسی روستاها به‌صورت منفرد و در نقطه‌ای خاص پرداخته‌اند. همچنین، این تحقیق با تلفیق هم‌زمان عوامل درونی-روستایی و فرادستی-منطقه‌ای، درصدد ارائه تحلیلی نظام‌مند و همه‌جانبه‌تر از نحوه تأثیرگذاری گردشگری بر الگوی تحولات کالبدی-فضایی است. تغییر کاربری اراضی و از

دست رفتن حاصلخیزی خاک در اثر شهرنشینی سریع و گسترده، یک نیروی محرک اصلی اثرگذار بر تغییر شرایط محیط‌زیستی منطقه‌ای و جهانی است (Costanza و همکاران، ۱۹۹۷). این تغییرات شدید به‌طور فعال باعث تغییر ویژگی‌های فیزیکی، شیمیایی و زیستی اکوسیستم‌های منطقه‌ای شده است (Deng و همکاران، ۲۰۱۱). همچنین، این عامل، نابرابری‌های محیط‌زیستی، فرهنگی، اقتصادی، اجتماعی و سیاسی در مقیاس محلی، ملی و جهانی را ایجاد خواهد کرد (Shahsavari و Akbari، ۲۰۱۸)، همان‌طور که برنامه‌ریزی کاربری اراضی در یک منطقه، بدون در نظر گرفتن شرایط اجتماعی-اقتصادی غیرممکن است، توجه نکردن به پتانسیل اکولوژیکی و محیط‌زیست منطقه نیز به کاهش منابع طبیعی منجر خواهد شد (Taghavaye Salimi و همکاران، ۲۰۰۸). محیط‌زیست کالاها و خدماتی را در اختیار ما قرار می‌دهد که اساس زندگی اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و معنوی ما را تشکیل می‌دهند (Ndubisi و همکاران، ۱۹۹۵). رفاه و آسایش انسان به ظرفیت مداوم اکوسیستم‌ها در محیط‌زیست به‌عنوان یک کل بستگی دارد تا از مزایای آن بهره‌مند شود (Leman و همکاران، ۲۰۱۵). عوامل متعددی از جمله استخراج معادن و منابع هیدروکربونی (Xi و همکاران، ۲۰۱۵)، استخراج بی‌رویه منابع آب زیرزمینی، آلودگی آب‌های سطحی (Trenouth و Gharabaghi، ۲۰۱۵)، فرسایش خاک، تهدید قلمرو حیات وحش، تخریب مناظر طبیعی، رشد سریع شهرها (Steiner و همکاران، ۲۰۰۰)، آلودگی هوا، تغییر کاربری اراضی برای اهداف کشاورزی و شهری، تأثیرات منفی و مخربی بر مناطق حساس محیط‌زیستی دارند. تغییرات کاربری اراضی، سیستم‌های طبیعی و انسانی را در مقیاس جهانی و منطقه‌ای تغییر می‌دهد (Solecki، ۲۰۰۱). از این رو، به‌طور کلی تغییرات کاربری اراضی در روستاها در نتیجه مجموعه‌ای از تغییرات اقتصادی، اجتماعی-فرهنگی، نهادی –سیاسی و تغییرات رفتار جمعی تا فردی شکل می‌گیرد (Thuo و Maina، ۲۰۱۰) و گردشگری به‌عنوان یکی از عوامل اجتماعی و معیشتی تغییر کاربری و تخریب اراضی کشاورزی در هر ناحیه‌ای محسوب می‌شود. نبود شفافیت‌های قانونی و وجود بندها و تبصره‌های مختلف درباره تغییر کاربری اراضی، مشخص نبودن مسئولیت نظارتی و تصمیم‌گیری شورایی از عوامل سیاسی و ساختاری اصلی تغییر کاربری اراضی است. علل تغییر کاربری اراضی بین کشورهای توسعه‌یافته و در حال توسعه متفاوت است. در کشورهای توسعه‌یافته، تغییر کاربری زمین ریشه در دلایل اقتصادی مانند کشاورزی بزرگ‌مقیاس، توسعه شهری و افزایش نیاز به نگهداری کیفیت محیط‌زیست برای نسل فعلی و نسل‌های آتی دارد. اما در کشورهای در حال توسعه، رشد سریع جمعیت، فقر و موقعیت اقتصادی عوامل اصلی است (Nigal و همکاران، ۲۰۰۸)، (به نقل از Jorjani، ۲۰۰۹). در کشور ایران نیز رشد شتابان شهرنشینی در سال‌های اخیر و متعاقب آن تغییر و تحولات اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی به همراه شکل‌گیری و گسترش جابه‌جاییهای جمعیتی و به‌ویژه مهاجرت‌های روستا- شهری، موجب تحولات ساختاری و کالبدی-فضایی گسترده در فضا-های انسانی، از جمله روستاها، شده است؛ به نحوی که روستاها در سال‌های اخیر، تحت تأثیر روند شتابان شهرگرایی و روستاگریزی، از نظر کیفی و کمی با تحولات بنیادین روبه‌رو شده‌اند (Hosseini Hasel، ۲۰۱۰). در این بین، یکی از عوامل مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی، ارتباط بین شهر و روستا است. در این راستا، Saeedi و Soltani (۲۰۰٤) و Afrakhteh و همکاران (۲۰۱۵) معتقدند که جریان‌های فضایی متفاوتی بین مادرشهر و سکونتگاه‌های روستایی پیرامون وجود دارد که این جریان‌ها بسیاری از تحولات روستاها را تشکیل داده‌اند. روستاهای واقع در حوزه مادرشهری تحولات در ابعاد مختلف را سریع‌تر پشت سر می‌گذارند، وابستگی متقابل مادرشهر و روستاهای اطراف، چشم‌انداز روستایی را تحت تأثیر چشم‌انداز شهری دگرگون می‌سازد که این امر موجب تحول ساختاری- کارکردی بومی می‌شود؛ و این تحولات در همه ابعاد و همه روستاهای ناحیه مثبت نبوده و تحولات منفی را نیز (نظیر تغییر کاربری اراضی زراعی و باغی، گسترش الگوی مسکن شهری) در پی داشته است. Saeedi و Hosseini Hasel (۲۰۰۷) در پژوهشی تحت عنوان «ادغام کلان‌شهری سکونتگاه‌های روستایی (با نگاهی به کلان‌شهر تهران و پیرامون) ، فرآیند ادغام و الحاق اراضی و سکونتگاه‌های روستایی در حوزه

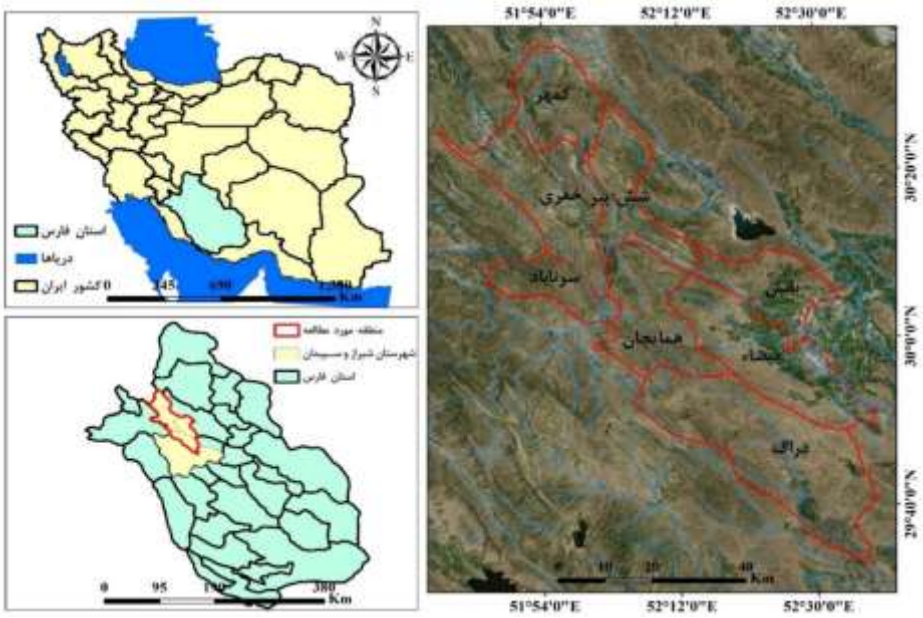
کلانشهری را نتیجه فرآیند جهانی‌شدن و رشد شتابان شهرنشینی دانسته‌اند. Amir Entekhabi (۲۰۱۳) و Amar (۲۰۱۳) عنوان کرده‌اند که در چند سال اخیر، آسیب‌پذیری در برابر حوادث طبیعی، تغییر در کارکرد سکونتگاه‌های روستایی و ضعف در وابستگی کارکردی از عمده‌ترین چالش‌های کالبدی روستاها است و گرایش روزافزون ساکنین روستاها به تغییر کاربری اراضی زراعی و تبدیل آنها به قطعات قابل فروش زمین برای احداث خانه‌های دوم ضمن تغییر بافت اجتماعی فرهنگی روستاهای ناحیه، به تغییر چشم‌انداز روستایی، تحول بافت کالبدی و تغییر ساختاری کارکردی روستاها انجامیده است. Monshizadeh و Sadeghi، (۲۰۱۰) از تغییرات در قیمت اراضی، تغییر در الگوی مسکن، تغییرات زیست‌محیطی، تحولات اجتماعی و تغییر در عملکردهای سکونتگاه‌های روستایی به‌عنوان مهم‌ترین تحولات روستاهای پیرامونی نام برده‌اند. Sadeghi و همکاران (۲۰۱۸) نشان دادند که عوامل و نیروهای مختلف با ابعاد محیطی- اکولوژیک، اجتماعی و اقتصادی به‌صورت هم‌افزا در فرایند دگرگونی سکونتگاه‌های ناحیه اثرگذار بوده‌اند و در عرصه‌های مختلف، از جمله بهره‌گیری از فناوری، تغییر کاربری اراضی، محدودیت‌های فعالیت کشاورزی، گسترش واحدهای صنعتی و تغییر در الگوهای رفتار اجتماعی قابل ردیابی هستند. هر چند این پیامدها در بعضی عرصه‌ها موجب توسعه روستایی شهری شده، اما تعارضاتی نیز در عرصه‌های کالبدی-فضایی به همراه داشته است. بنابراین، سکونتگاه‌های انسانی به‌طور مداوم در حال رشد و توسعه هستند و این تحول در ماهیت عناصر نظم فضایی و چیدمان فضایی آنها نیز اتفاق می‌افتد (Zakavat، ۲۰۱۱: ۱۱۷). پویایی روستاها در ابعاد مختلف اجتماعی، اقتصادی، کالبدی و فضایی قابل بررسی است. این خصیصه از پویایی افراد و گروه‌های جامعه روستایی در اعمال نگرش‌ها و علایق خود در فعالیت‌ها، شکل‌دهی به کالبد و فضای مورد استفاده و رویارویی با عوامل محدودکننده تمایلاتشان ناشی می‌شود. بنابراین، پذیرش پویایی و تغییر دائمی در جامعه انسانی موجب الزام به پذیرش تغییرات دائمی و پویایی روستا در ابعاد مختلف آن است و آگاهی از ساختار فضایی و کالبدی روستاها می‌تواند یکی از عوامل تأثیرگذار در میزان موفقیت برنامه‌ریزان باشد و به بهبود محیط‌های روستایی کمک شایانی کند (Ghadami و Yosefian، ۲۰۱٤). از این رو، چارچوب نظری این پژوهش بر دو محور اساسی استوار است. نخست، تغییر کاربری اراضی به‌عنوان پدیده‌ای کلیدی شناخته می‌شود که نه‌تنها ساختار فیزیکی سکونتگاه‌های روستایی، بلکه تمامی ابعاد زیست‌محیطی، اقتصادی- معیشتی و اجتماعی- فرهنگی آن‌ها را تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تغییرات در نتیجه تعامل پیچیده‌ای از عوامل اقتصادی (مانند فشار بازار زمین)، اجتماعی (مانند تغییر الگوی معیشت و مهاجرت) و سیاسی- نهادی (مانند سیاست‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای و ضعف نظارتی) شکل می‌گیرد. همان‌طور که مطالعات جهانی نشان می‌دهند، این تحولات می‌توانند به نابرابری‌های محیط‌زیستی و اقتصادی دامن زده و ظرفیت اکوسیستم‌ها برای ارائه خدمات پایدار را تضعیف نمایند. در ادامه، این چارچوب بر نقش روابط شهر-روستا و به ویژه توسعه گردشگری به‌عنوان یک عامل شتاب‌دهنده و جهت‌دهنده به تغییرات کاربری اراضی تمرکز دارد. بنابراین، تحولات کالبدی-فضایی در این چارچوب نه به‌عنوان پدیده‌ای مستقل، بلکه به‌عنوان نتیجه تعامل پویای سه‌گانه «تغییر کاربری اراضی»، «روابط شهر-روستا» و «توسعه گردشگری» درک می‌شود که در بستر خاص جغرافیایی-اقتصادی ایران و تحت تأثیر فرآیندهای کلانی چون جهانی شدن و شهرنشینی شتابان قرار دارد.

۲- مواد و روش‌ها

۲-۱- منطقه پژوهش

محور گردشگری شیراز- سپیدان در محدوده جغرافیایی بین ´۰۰ °۲۹ تا ´۳۰ °۳۰ عرض شمالی و ´٤٥ °۵۱ تا ´۳۰ °۵۲ طول شرقی واقع شده است. این محور از مرکز شهر شیراز (با مختصات تقریبی ´۳۰ °۲۹ شمالی و ´۰۰ °۵۲ شرقی) آغاز شده و به سمت شمال غربی امتداد می‌یابد. شهر سپیدان (اردکان) در انتهای این محور در موقعیت ´۱۵ °۳۰ شمالی و ´۳۰ °۵۱ شرقی

قرار دارد. مسیر این محور از مناطق مهمی مانند دشت ارژن، منطقه حفاظت شده ارژن و پریشان، گردنه قمشلو و دره‌های زاگرس میانی عبور می‌کند. ارتفاع این محور از حدود ۱۵۰۰ متر در دشت شیراز تا بیش از ۲۸۰۰ متر در ارتفاعات سپیدان متغیر است که این تغییرات ارتفاعی نقش مهمی در تنوع آب و هوایی و زیستی منطقه داشته است. موقعیت قرارگیری این محور در دامنه‌های زاگرس جنوبی، باعث شده که از یک سو به جلگه شیراز و از سوی دیگر به ارتفاعات استان کهگیلویه و بویراحمد دسترسی داشته باشد. شهرستان سپیدان با مختصات جغرافیایی ۵۱ درجه و ۵۹ دقیقه طول جغرافیایی و ۳۰ درجه و ۱۶ دقیقه عرض جغرافیایی به مرکزیت اردکان در شمال غربی استان فارس و در همسایگی شیراز، در دره‌ای زیبا و چشم‌نواز در دامنه سرچشمه ششپیر و کوه گر و در زاگرس مرکزی (اصلی) قرار دارد. ارتفاع مرکز این شهرستان (اردکان) ۲۲۴۰ متر بالاتر از سطح دریای آزاد است.



شکل ۱. موقعیت محور گردشگری شیراز- سپیدان

Fig. 1. Location map of the study area

۲-۲- روش تحقیق

پژوهش حاضر از نظر هدف، کاربردی و از جنبه معرفتی دارای ماهیت عینی-ذهنی و از لحاظ روش، آمیخته و دارای راهبرد هم‌زمان است. جامعه آماری پژوهش در بخش کمی شامل دو بخش است. در بخش اول، کلیه سکونتگاه‌های روستایی بالای ۱۰۰ نفر جمعیت در محور گردشگری شیراز و سپیدان انتخاب شدند که در نهایت تعداد ۱۹ روستا تعیین شد. بخش دوم شامل کلیه جمعیت ساکن در روستاهای مورد مطالعه است که مطابق با سرشماری مرکز آمار ایران، ۲۴۰۴۰ نفر است. حجم نمونه با استفاده از فرمول کوکران، ۳۸۷ نفر از ساکنین محلی تعیین شد و انتخاب افراد با روش نمونه‌گیری تصادفی صورت گرفت. در این راستا، به نسبت جمعیت در روستاها، سهم هر روستا از حجم نمونه مطابق جدول ۱ تنظیم شد.

جدول ۱. جامعه آماری و حجم نمونه در روستاها

Table 1. Statistical population and sample size in villages

نام شهرستان	نام دهستان	نام روستا	خانوار	جمعیت	تعداد نمونه
County Name	**Rural District Name**	**Village Name**	**Households**	**Population**	**Sample Size**
سپیدان	خفری	فارسیجان	62	320	5
سپیدان	بانشی	ممو	76	235	4

5	303	117	شیر بابا	کمهر	سپیدان
52	3196	872	یرشنه	شش پیر	سپیدان
50	3167	901	بهرغان	شش پیر	سپیدان
39	2403	684	دالین	همایجان	سپیدان
6	484	89	سنگر	همایجان	سپیدان
4	249	67	رودبال	همایجان	سپیدان
3	148	51	حاجی اباد علی	همایجان	سپیدان
3	144	41	شول	همایجان	سپیدان
3	211	100	خلار	همایجان	سپیدان
4	167	44	قلعه میر آقا	همایجان	سپیدان
55	3852	1129	هماشهر	همایجان	سپیدان
3	165	50	اشکفت	همایجان	سپیدان
9	602	170	سه تلی	همایجان	سپیدان
35	2060	609	قلعه خرابه	همایجان	سپیدان
27	1376	466	گلستان	دراک	شیراز
24	1005	288	کودیان	دراک	شیراز
56	3953	1157	قلات	دراک	شیراز
387	24040	6973	19	6	جمع

منبع: مرکز آمار ایران (۱۳۹۵) و محاسبات پژوهشگران (۱٤۰٤)

Source: Statistical Center of Iran (2016) and derived from calculations by researchers (2015)

جامعه آماری در بخش کیفی: جامعه آماری پژوهش شامل متخصصان حوزه جغرافیا (برنامه‌ریزی روستایی) و گردشگری، کارشناسان سازمان‌های اجرایی و مدیران روستایی (از جمله اعضای شوراها) است. نمونه‌گیری به‌صورت هدفمند انجام شد و در نهایت ۳۰ نفر انتخاب شدند. روش‌های گردآوری اطلاعات، کتابخانه‌ای، اسنادی و میدانی است و ابزار گردآوری اطلاعات نیز مصاحبه و پرسشنامه است. به منظور مصاحبه با پاسخگویان، پیش از اجرای مصاحبه اطلاعات کلی درباره عوامل مؤثر در تحولات کالبدی–فضایی ارائه شد. هنگام اجرای مصاحبه ابتدا پژوهشگر از افراد مشارکت‌کننده در پژوهش، درخواست کرد تا تجربه خود از پدیده مورد نظر را در قالب داستانی مرتبط با موضوع پژوهش بیان کنند. در مرحله بعد، هر مصاحبه تبدیل به متن شد و برای اطمینان نیز یک بار متن نوشته‌شده با متن مصاحبه تطبیق داده شد. همگام با جمع‌آوری داده‌ها و تبدیل مصاحبه‌ها به متن، کدگذاری و تحلیل داده‌ها نیز صورت گرفت تا مصاحبه‌ها معنایابی شوند و اطلاعات به‌دست‌آمده از مصاحبه‌های قبلی به‌عنوان مبنا برای مصاحبه‌های بعدی استفاده شد. مصاحبه‌ها حدود یک ماه طول کشید، و هر مصاحبه تقریباً بین ٦۰ تا ۹۰ دقیقه به طول انجامید. مصاحبه‌ها تا جایی ادامه یافت که دیگر داده‌های جدیدی به دست نمی‌آمد. به منظور تضمین اعتبار و پایایی یافته‌های کیفی این پژوهش، معیارهای چهارگانه گابا و لینکلن (باورپذیری، انتقال‌پذیری، اطمینان‌پذیری و تأییدپذیری) به کار گرفته شد. برای تحقق باورپذیری، فعالیت‌هایی همچون بازبینی داده‌ها توسط مشارکت–کنندگان، مصاحبه عمیق و ثبت دقیق گفته‌ها انجام شد. انتقال‌پذیری از طریق ارائه توصیف‌های مبسوط از زمینه پژوهش و فرآیند تحقیق فراهم آمد. برای دستیابی به اطمینان‌پذیری (معادل پایایی)، بازبینی مجدد کدها توسط مصاحبه‌شوندگان و تأیید نهایی آن‌ها صورت گرفت. در نهایت، تأییدپذیری با ارائه مستندات و یافته‌ها به چندین متخصص و دریافت بازخوردهای سازنده از ایشان محقق گردید. این فرآیند جامع، دقت و قابلیت اتکای نتایج پژوهش کیفی را تضمین می‌نماید. در روش کمی

نیز برای اعتباریابی پرسشنامه در ابتدا شاخص‌ها در قالب پرسشنامه منعکس شد و در میان متخصصان و استادان دانشگاه توزیع شد و در نهایت با اعمال برخی اصلاحات، روایی آن تأیید شد. سپس به منظور سنجش پایایی پرسشنامه، پرسشنامه در میان ۳۰ نفر متخصص توزیع شد و در نهایت با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ مقدار ۰/۸۷ به دست آمد که نشان‌دهنده پایایی قابل قبول پرسشنامه است. به منظور تجزیه و تحلیل اطلاعات از تئوری زمینه‌ای و دلفی در روش کیفی و از آزمون T تک‌نمونه‌ای در روش کمّی استفاده شده است.

۳- یافته‌های تحقیق

۱-۳- وضعیت موجود تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی محور گردشگری شیراز-سپیدان با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی

به منظور ارزیابی وضعیت موجود تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی در محور گردشگری شیراز-سپیدان، از آزمون تی تک‌نمونه‌ای استفاده شد. استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای در بررسی تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی در محور گردشگری شیراز-سپیدان، به دلایل متعددی ضروری است. نخست آنکه این آزمون امکان مقایسه میانگین داده‌های گردآوری‌شده با یک مقدار معیار (در این مورد عدد ۳ به‌عنوان حد متوسط) را فراهم می‌کند، که به‌طور مستقیم می‌تواند میزان انحراف تحولات صورت‌گرفته از وضعیت مطلوب یا متوسط را مشخص کند. از آنجا که تغییرات کاربری اراضی به‌عنوان متغیری پیوسته و کمّی قابل سنجش است، این آزمون ابزار مناسبی برای تشخیص معناداری آماری این تغییرات محسوب می‌شود. همچنین، با توجه به ماهیت چندبعدی تحولات کالبدی-فضایی، آزمون تی تک‌نمونه‌ای این امکان را فراهم می‌آورد تا هر یک از شاخص‌ها (مانند تغییر در شکل بافت روستا، توسعه ویلاها، تبدیل اراضی کشاورزی و غیره) به‌طور جداگانه مورد تحلیل قرار گیرند و اهمیت آماری هر یک به‌طور مستقل ارزیابی شود. این ویژگی به پژوهشگر کمک می‌کند تا دقیق‌تر بتواند اولویت‌های سیاستی و برنامه‌ریزی را شناسایی کند و منابع را به‌صورت بهینه تخصیص دهد. علاوه بر این، استفاده از این آزمون از آن جهت حائز اهمیت است که می‌تواند جهت تغییرات (مثبت یا منفی) و اندازه اثر آن را در هر شاخص مشخص کند. در نهایت، این آزمون به دلیل سادگی در تفسیر و توانایی در ارائه نتایج کمّی و واضح، می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر برای ارتباط بین پژوهشگران، سیاست‌گذاران و جامعه محلی عمل کند و مبنای علمی مناسبی برای تصمیم‌گیری‌های مدیریتی فراهم آورد.

جدول ۲. وضعیت تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر تغییرات کاربری اراضی

Table 2. Status of physical-spatial changes in rural settlements with emphasis on land use changes

شاخص Index	میانگین Mean	آماره تی t	سطح معناداری (۲ دامنه) Sig. (2-tailed)	فاصله اطمینان ۹۵٪ تفاوت Confidence ٪95 Interval of the Difference	
				بالا	پایین
ایجاد مصالح جدید و مقاوم در روستا Introduction of new and durable building materials in the village	3.62	27.776	0.000	3.76	3.45
گسترش بافت فیزیکی روستا Spatial expansion of the village physical fabric	3.43	27.544	0.000	3.54	3.32
شکل و فرم بافت روستا Morphological form and pattern of the village	3.79	27.887	0.000	3.89	3.68

fabric					
پایداری سازه‌های مسکن روستا Structural stability and resilience of rural housing	3.52	27.665	0.000	3.67	3.40
طراحی و ساخت مسکن در روستا Design and construction of rural housing	3.39	27.454	0.000	3.55	3.31
سیما و منظر مساکن در روستا Visual appearance and landscape of rural housing	3.30	27.413	0.000	3.47	3.19
تحولات اجتماعی مساکن روستا Social transformations associated with rural housing	3.15	27.231	0.000	3.25	3.00
عملکرد اقتصادی–مدیریتی مساکن روستا Economic-managerial performance of rural housing	3.43	27.522	0.000	3.54	3.21
رفاه و آسایش مساکن روستا Residential comfort and welfare in rural housing	3.31	27.453	0.000	3.45	3.21
وضعیت معابر درون روستا Condition of internal village thoroughfares	3.56	27.665	0.000	3.69	3.45
بازگشایی و اصلاح معابر موجود روستا Widening and realignment of existing village passages	3.24	27.334	0.000	3.35	3.12
عرض معابر، کف‌سازی پوشش و شیب معابر، روشنایی روستا Passage width, pavement, slope grading, and street lighting	3.71	27.811	0.000	3.85	3.47
بازگشایی و بهسازی معابر موجود در روستا Opening and rehabilitation of existing village streets	3.15	27.234	0.000	3.26	3.06
تخریب اراضی زراعی و باغات روستا Degradation and conversion of village farmlands and orchards	3.33	27.432	0.000	3.48	3.21
دخل و تصرف در مراتع روستا Encroachment on village pastures and rangelands	3.13	27.243	0.000	3.22	3.03
ساخت‌وساز در حرایم روستا Construction within village protected buffer zones	3.10	27.223	0.000	3.21	3.00
تولید زباله و فاضلاب‌ها در روستا Generation of solid waste and sewage in the village	3.23	27.334	0.000	3.34	3.11
تخریب چشم‌انداز روستا Degradation of rural landscape and visual scenery	3.32	27.432	0.000	3.45	3.23
سطح آب‌های زیرزمینی در روستا Groundwater table level in the village	3.54	27.665	0.000	3.63	3.41
فعالیت و اشتغال در روستا Economic activity and employment in the	3.67	27.775	0.000	3.74	3.54

village افزایش قیمت اراضی در روستا Escalation of land prices in the village	3.70	27.843	0.000	3.85	3.61
نظام تولیدی و بهره‌برداری در روستا Rural production and resource exploitation system	3.56	27.664	0.000	6.67	3.44
کارگاه‌های صنعتی و مؤسسات اقتصادی جدید در روستا Establishment of new industrial workshops economic enterprises and	3.60	27.765	0.000	3.71	3.54
زبان و آداب و رسوم محلی در روستا Local dialect, customs, and traditions in the village	3.52	27.665	0.000	3.67	3.43
تعامل اجتماعی و سنت‌های روستا Social interaction and rural traditions	3.33	27.432	0.000	3.48	3.21
توزیع عادلانه کاربری‌های روستا Equitable spatial distribution of village land uses	3.00	27.113	0.000	3.14	2.87
حمل‌ونقل عمومی در روستا Public transit and transportation in the village	3.13	27.243	0.000	3.22	3.03
راه‌های ارتباطی روستایی Rural access and feeder roads	3.15	27.231	0.000	3.25	3.00
راه‌های برون روستایی Inter-village and regional connecting roads	3.23	27.334	0.000	3.34	3.11
ترافیک شبکه‌های ارتباطی مجازی در روستا Virtual communication network traffic bandwidth load Digital	3.00	27.113	0.000	3.14	2.87
بهبود ارتباطات و ...، در روستا Improvement of communication and ICT infrastructure in the village	3.17	27.232	0.000	3.25	3.07
تبدیل زمین‌های کشاورزی و مراتع به هتل‌ها، اقامتگاه‌های بوم گردشگری، رستوران‌ها و تفرجگاه‌ها در روستا Conversion of agricultural lands and pastures ecolodges, restaurants, and resorts ,into hotels	3.77	27.876	0.000	3.89	3.76
توسعه ویلاها و خانه‌های دوم توسط سرمایه‌گذاران شهری در روستا villas by Expansion of second homes and urban investors in the village	3.65	27.776	0.000	3.76	3.54
جذب جمعیت جدید (مهاجرت معکوس از شهر با ورود نیروی کار خارج از روستا) در روستا new population (reverse migration Influx of and external labor workforce)	3.35	27.439	0.000	3.47	3.25
کاهش پوشش گیاهی روستا Depletion of rural natural vegetation cover	3.43	27.544	0.000	3.54	3.32
آلودگی ناشی از زباله‌های گردشگران و فاضلاب‌های غیرمجاز روستا	3.50	27.665	0.000	3.65	3.43

and unauthorized Pollution from tourist litter wastewater disposal					
تغییر سبک زندگی تحت تأثیر گردشگران در روستا Tourist-induced lifestyle and cultural shifts in the village	3.56	27.658	0.000	3.67	3.42
کاهش هویت محلی و تجاری شدن فرهنگ بومی روستا Erosion of local identity and commodification indigenous culture of	3.50	27.643	0.000	3.67	3.44

منبع: یافته‌های تحقیق،۱٤۰٤، Source: Research findings, 2025

نتایج تحلیل داده‌ها با استفاده از آزمون تی تک‌نمونه‌ای نشان می‌دهد که تغییرات کاربری اراضی به‌عنوان عامل کلیدی و تعیین‌کننده در تحولات کالبدی–فضایی روستاهای محور گردشگری شیراز–سپیدان عمل کرده است. این تحولات از طریق مکانیسم‌های پیچیده و چندلایه، ساختار فضایی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی این روستاها را دگرگون ساخته است، که به شرح ذیل است: تغییر کاربری اراضی منجر به بازسازی کامل ساختار فضایی روستاها شده است. بالاترین میانگین مربوط به شاخص شکل و فرم بافت روستا (۳/۷۹) نشان‌دهنده اساسی‌ترین تغییر در سازمان فضایی روستاهاست. این تغییر صرفاً فیزیکی نیست، بلکه بیانگر دگرگونی در الگوی سکونتگاهی، نظام استقرار فضایی و روابط مکانی است. توسعه ویلاها و خانه های دوم (۳/٦٥) و تبدیل زمین‌های کشاورزی به تأسیسات گردشگری (۳/۷۷) نه‌تنها به گسترش افقی روستاها (۳/٤۳) انجامیده، بلکه عمق ساختاری و ماهیت فضایی این سکونتگاه‌ها را تغییر داده است. از سوی دیگر، تغییر کاربری اراضی، اقتصاد روستایی را از تولیدمحوری به خدمات‌محوری تبدیل کرده است. میانگین بالای افزایش قیمت اراضی (۳/۷۰) نشان–دهنده ظهور اقتصاد رانتی زمین است که در آن زمین به کالایی سرمایه‌ای تبدیل شده است. این پدیده از یک سو به ایجاد مشاغل جدید (۳/٦۷) و توسعه کارگاه‌های اقتصادی (۳/٦۰) انجامیده، ولی از سوی دیگر منجر به تخریب پایه‌های تولیدی سنتی (۳/۳۳) و دخل و تصرف در مراتع (۳/۱۳) شده است. همچنین، مطابق نتایج به‌دست‌آمده در جدول ۲، تغییرات کاربری اراضی اثرات عمیق اکولوژیکی به همراه داشته است. شاخص‌هایی مانند کاهش پوشش گیاهی (۳/٤۳) و تخریب چشم‌انداز روستا (۳/۳۲) نشان‌دهنده آسیب‌پذیری سیستم‌های طبیعی در برابر فشار توسعه است. همچنین تولید زباله و فاضلاب (۳/۲۳) و آلودگی ناشی از گردشگران (۳/۵۰) بیانگر بار اضافی بر محیط‌زیست روستایی است. همچنین، این تغییرات منجر به بازسازی ساختار اجتماعی و هویت فرهنگی شده است. تغییر سبک زندگی (۳/۵٦) و کاهش هویت محلی (۳/۵۰) نشان‌دهنده جایگزینی ارزش‌های سنتی با ارزش‌های بازارمحور است. از سوی دیگر، جذب جمعیت جدید (۳/۳۵) و تحول در تعامل اجتماعی (۳/۳۳) بیانگر شکل‌گیری نظم اجتماعی جدیدی است که بر پایه روابط گردشگری استوار شده است. در نهایت، تغییر کاربری اراضی مستلزم توسعه زیرساخت‌ها بوده است. بهبود وضعیت معابر (۳/۵٦) و عرض معابر و روشنایی (۳/۷۱) پاسخ به نیازهای جدید گردشگری است. با این حال، این توسعه نامتوازن بوده و "حمل‌ونقل عمومی" (۳/۱۳) و "بازگشایی معابر" (۳/۱۵) همچنان نیازمند توجه هستند.

۳-۲- شناسایی عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در سکونتگاه‌های روستایی محور گردشگری شیراز–سپیدان

به منظور بررسی و شناسایی مجموعه عوامل مؤثر در تحولات کالبدی–فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی، در مجموع ۳۰ مصاحبه عمیق صورت گرفت. مصاحبه‌ها (بین ٦۰ تا ۹۰ دقیقه) ضبط و یادداشت‌برداری شد و بلافاصله به متن درآمد تا با مرور چندباره گفت‌وگوها، تحلیل و بررسی دقیق‌تری از دیدگاه‌های خبرگان انجام شود. در این

راستا، عوامل در سه بخش (علّی، زمینه‌ای و مداخله‌گر) مورد بررسی قرار گرفت که در ادامه به شرح هر یک از آن‌ها پرداخته شده است.

۱-۲-۳- عوامل علّی

عوامل علّی باعث شکل‌گیری پدیده یا طبقه محوری می‌شوند. این عوامل مجموعه‌ای از طبقه‌ها و ویژگی‌هایشان است که مقوله اصلی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مطابق جدول ۳، عوامل علّی مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در محور گردشگری، شامل توسعه زیرساخت‌های گردشگری، فشار بازار زمین و مسکن، سیاست‌های دولتی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی و رونق دورکاری و افزایش تقاضا برای مکان‌های خلوت و طبیعت هستند.

جدول ۳. عوامل علّی مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی

Table 3. Causal factors affecting physical-spatial changes in rural settlements with emphasis on land use

مقوله (طبقات) Categories	مفاهیم Concepts	مصاحبه‌شوندگان Interviewees
توسعه زیرساخت‌های گردشگری Development of Tourism Infrastructure	ایجاد جاده‌های دسترسی جدید و گسترش شبکه ارتباطی توسعه اقامتگاه‌های بوم‌گردی و هتل‌های محلی ایجاد رستوران‌ها و مراکز پذیرایی در حریم روستاها	X11, X13, X17, X19
فشار بازار زمین و مسکن Land and Housing Market Pressure	افزایش قیمت زمین‌های روستایی در برخی مناطق تقاضای فزاینده برای ساخت ویلا و خانه‌های دوم توسط شهرنشینان سوداگری زمین و تغییر کاربری‌های سریع برای کسب درآمد بیشتر	X22, X24, X26, X29
سیاست‌های دولتی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای Government Policies and Regional Planning	اجرای طرح‌های جامع گردشگری بدون ارزیابی اثرات محیط‌زیستی سرمایه‌گذاری در پروژه‌های بزرگ بدون در نظر گرفتن توان اکولوژیک معافیت‌های مالیاتی برای سرمایه‌گذاران بخش گردشگری ارائه تسهیلات بانکی برای پروژه‌های گردشگری	X1, X2, X4, X7
تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی Shifts in Livelihood Patterns and Local Economy	گذار از اقتصاد تولیدمحور به خدمت‌محور افزایش هزینه‌های تولید کشاورزی جذابیت مالی گردشگری	X13, X17, X18,X20
رونق دورکاری و افزایش تقاضا برای مکان‌های خلوت و طبیعت Boom in Remote Work and Rising Demand for Secluded Natural Areas	گریز از شلوغی شهرها و کاهش تمایل به سفرهای خارجی امکان اقامت طولانی‌مدت در روستاها برای شهرنشینان شاغل	X3, X5, X4, X6, X7

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱٤۰٤، Source: Research findings, 2025

در این بین، به منظور سنجش میزان موافقت مصاحبه‌شوندگان با هر یک از عوامل شناسایی شده از روش دلفی استفاده شد. از این رو، هر یک از عوامل علّی در قالب پرسشنامه منعکس و در میان افراد توزیع شد. نظرسنجی صورت گرفته در دو مرحله انجام شد و اختلاف بین دو مرحله نیز مورد بررسی قرار گرفت (جدول ٤).

جدول ٤. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مراحل اول و دوم در عوامل علّی

Table 4. Average expert views from the first and second stage survey on causal factors

عامل علّی Causal Factor	مقدار کریسپ مرحله اول Crisp Value (Phase 1)	مقدار کریسپ مرحله دوم Crisp Value (Phase 2)	اختلاف مقدار کریسپ Difference (Δ)
توسعه زیرساخت‌های گردشگری Development of Tourism Infrastructure	0.577	0.589	0.012
فشار بازار زمین و مسکن Land and Housing Market Pressure	0.559	0.569	0.01
سیاست‌های دولتی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای Government Policies and Regional Planning	0.56	0.567	0.007
تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی Shifts in Livelihood Patterns and Local Economy	0.567	0.57	0.004
رونق دورکاری و افزایش تقاضا برای مکان خلوت و طبیعت Boom in Remote Work and Rising Demand for Secluded Natural Areas	0.55	0.56	0.01

منبع: یافته‌های تحقیق، ١٤٠٤؛ Source: Research findings, 2025

مطابق نتایج روش دلفی در جدول ٤، متخصصان در رابطه با عوامل علّی مطرح شده در مرحله دوم نسبت به مرحله اول موافقت بیشتری داشتند، و همچنین مطابق جدول ۲، بیشترین میزان اختلاف در بین مراحل اول و دوم به مقدار ۰/۰۱۲ در عامل توسعه زیرساخت‌های گردشگری است. در ادامه نیز بر اساس رویکرد داستان‌سرایی به بررسی هر یک از عوامل علّی مطرح شده پرداخته شده است.

۲-۲-۳- عوامل زمینه‌ای (بستر حاکم)

به عوامل خاصی که بر راهبردها تأثیر می‌گذارند، بستر گفته می‌شود و تمایز آن‌ها از عوامل علّی مشکل است. این عوامل را مجموعه‌ای از مفاهیم، طبقه‌ها یا متغیرهای زمینه‌ای تشکیل می‌دهند، در مقابل، عوامل علّی مجموعه‌ای از متغیرهای فعال هستند. متغیرهای بسیار مرتبط را ذیل عوامل علّی و متغیرهایی با ارتباط کمتر را ذیل بستر حاکم طبقه‌بندی می‌کنند. مطابق جدول ۵، عوامل زمینه‌ای مؤثر بر تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در محور گردشگری، شامل ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، موقعیت استراتژیک و دسترسی، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، شرایط جمعیتی و نیروی انسانی و پتانسیل‌های اقتصادی هستند.

جدول ۵. عوامل زمینه‌ای مؤثر در تحولات کالبدی-فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی

Table 5. Background factors affecting physical-spatial changes in rural settlements with emphasis on land use

مقوله (طبقات) Categories	مفاهیم Concepts	مصاحبه‌شوندگان Interviewees
ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی Natural and Geographical Features	تنوع ارتفاع در طول محور Elevation diversity along the corridor وجود چشمه‌های معدنی و منابع آب متعدد	X1, X2, X3, X4, X6, X9, X14

	Presence of mineral springs and abundant water resources برخورداری از آب و هوای معتدل کوهستانی Favorable temperate mountain climate	
موقعیت استراتژیک و دسترسی Strategic Location and Accessibility	فاصله کم از کلان‌شهر شیراز (کمتر از ۲ ساعت دسترسی) Proximity to Shiraz metropolis (less than 2 hours drive) قرارگیری در مسیر ارتباطی استان‌های همجوار Location along transit corridors connecting neighboring provinces نزدیکی به مناطق حفاظت‌شده ارژن و پریشان Proximity to Arjan and Parishan protected areas	X11, X15, X19, XC21
سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی Socio-Cultural Capital	وجود آیین‌ها و مراسم محلی خاص Unique local rituals ,ceremonies, and customs معماری بومی و دانش سنتی ساخت‌وساز Vernacular architecture and traditional construction knowledge صنایع دستی بومی (قالی‌بافی و گلیم‌بافی) و فرهنگ مهمان‌نوازی Indigenous handicrafts (carpet and kilim weaving) and hospitable culture	X22, X23, X24, X29, X30
شرایط جمعیتی و نیروی انسانی Demographic Conditions and Human Capital	وجود نیروی کار جوان و جویای کار Availability of young and active job-seeking workforce دانش بومی در مدیریت منابع طبیعی Indigenous knowledge in natural resource management قابلیت آموزش‌پذیری و انعطاف جامعه محلی High trainability and adaptability of the local community حضور نخبگان محلی در عرصه‌های مختلف Active presence of local elites across various fields	X13, X19, X20, X21, X22, X25, X26, X28
پتانسیل‌های اقتصادی Economic Potentials	امکان توسعه کشاورزی ارگانیک Potential for organic agriculture development قابلیت توسعه صنایع دستی و محلی Feasibility of expanding indigenous handicrafts and cottage industries امکان توسعه گردشگری سلامت Potential for health and wellness tourism development پتانسیل توسعه گردشگری ماجراجویانه Opportunities for adventure tourism development قابلیت توسعه اکوتوریسم پایدار Viability of sustainable ecotourism development	X28, X29, X30

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱٤۰٤؛ Source: Research findings, 2025

در این بین، به منظور سنجش میزان موافقت مصاحبه‌شوندگان با هر یک از عوامل شناسایی شده از روش دلفی استفاده شد. از این رو، هر یک از عوامل زمینه‌ای در قالب پرسشنامه منعکس و در میان افراد توزیع شد. نظرسنجی در دو مرحله انجام شد و اختلاف بین دو مرحله نیز بررسی شد.

جدول ٦. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مراحل اول و دوم در عوامل زمینه‌ای

Table 6. Average expert views from the first and second phase surveys on contextual factors

عامل زمینه‌ای Contextual Factor	مقدار کریسپ مرحله اول Crisp Value (Phase 1)	مقدار کریسپ مرحله دوم Crisp Value (Phase 2)	اختلاف مقدار کریسپ Difference (Δ)
ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی Natural and Geographical Features	0.56	0.566	0.006
موقعیت استراتژیک و دسترسی Strategic Location and Accessibility	0.559	0.57	0.011
سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی Socio-Cultural Capital	0.552	0.562	0.01
شرایط جمعیتی و نیروی انسانی Demographic Conditions and Human Capital	0.6	0.608	0.008
پتانسیل‌های اقتصادی Economic Potentials	0.589	0.593	0.004

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱٤۰٤؛ Source: Research findings, 2025

مطابق نتایج روش دلفی در جدول ٦، متخصصان در رابطه با عوامل زمینه‌ای مطرح شده در مرحله دوم نسبت به مرحله اول موافقت بیشتری داشتند، و همچنین مطابق شکل ۳، بیشترین میزان اختلاف بین مراحل اول و دوم، با مقدار ۰/۰۱۱، در عامل موقعیت استراتژیک و دسترسی است. در ادامه نیز بر اساس رویکرد داستان‌سرایی به بررسی هر یک از عوامل زمینه‌ای مطرح شده پرداخته شد.

۳-۲-۳- عوامل مداخله‌گر

عواملی هستند که راهبردها از آن‌ها متأثر می‌شوند. این عوامل را مجموعه‌ای از متغیرهای میانجی و واسط تشکیل می‌دهند که مداخله سایر عوامل را تسهیل یا محدود می‌کنند و صبغه علّی و عمومی دارند (جدول ۷). عوامل مداخله‌گر تأثیرگذار در تحولات کالبدی–فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در محور گردشگری، شامل: اقتصادی–معیشتی، اجتماعی–فرهنگی، محیط‌زیستی و کالبدی، نهادی–مدیریتی و فناورانه–زیرساختی هستند.

جدول ۷. عوامل مداخله‌گر مؤثر در تحولات کالبدی–فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی

Table 7. Effective intervening factors in physical-spatial developments of rural settlements with emphasis on land use

مقوله (طبقات) Categories	مفاهیم Concepts	مصاحبه‌شوندگان Interviewees
اقتصادی–معیشتی Economic-Livelihood	وابستگی شدید به درآمدهای فصلی گردشگری Heavy reliance on seasonal tourism income فقدان تنوع اقتصادی / Lack of economic diversification سرمایه‌گذاری‌های کلان خارج از کنترل جامعه محلی Large-scale investments outside local community control	X12, X17, X19, X21
اجتماعی–فرهنگی Socio-Cultural	تضاد بین نسل‌ها (تمایل جوانان به مشاغل خدماتی گردشگری و عدم علاقه به ادامه کشاورزی و دامداری) Intergenerational conflict (youth preference for tourism services over farming and animal husbandry)	X11, X15, X19, X22, X26, X30

	کاهش انسجام اجتماعی (مهاجرت نیروی کار خارجی به روستاها و ایجاد شکاف بین جامعه میزبان و مهمان) Decline in social cohesion (influx of external labor and host-guest divide) تغییر الگوی مصرف (گرایش به کالاهای وارداتی و کاهش مصرف تولیدات محلی) Changing consumption patterns (preference for imported goods over local products) کاهش حافظه جمعی و دانش بومی (فراموشی روش‌های سنتی مدیریت منابع آب و خاک) Loss of collective memory and indigenous knowledge (forgetting traditional soil and water management)	
X13, X19, X20, X22, X30	تخریب پوشش گیاهی و فشار بر منابع طبیعی (ساخت‌وساز در حریم مراتع برای توسعه امکانات گردشگری) Vegetation degradation and pressure on natural resources (construction in rangelands for tourism facilities) افزایش پسماند و فاضلاب Escalation of solid waste and sewage	محیط‌زیستی و کالبدی / Environmental-Physical
X1, X4, X5, X7, X9, X10	عدم نظارت بر تغییر کاربری اراضی کشاورزی و ساخت‌وسازهای غیرمجاز Lack of oversight on agricultural land-use conversion and unauthorized construction موازی‌کاری بین میراث فرهنگی، جهاد کشاورزی و محیط‌زیست Institutional redundancy and conflicting overlapping duties among Cultural Heritage, Agriculture Jihad, and Environment bodies عدم توسعه سیستم‌های آب‌رسانی، دفع فاضلاب و مدیریت پسماند همگام با رشد گردشگری Inadequate expansion of water supply, sewage disposal, and waste management infrastructure alongside tourism growth فقدان برنامه‌ریزی مشارکتی (عدم استفاده از جامعه محلی در تصمیم‌گیری‌های مربوط به توسعه گردشگری) Lack of participatory planning (exclusion of local community from tourism decision-making)	نهادی-مدیریتی / Institutional-Managerial
X11, X14, X19, X20, X29	دسترسی ناکافی به اینترنت پرسرعت Insufficient access to high-speed broadband internet نقص در سیستم حمل‌ونقل عمومی Deficiencies in the public transportation system فقدان سیستم‌های بازیافت Absence of waste recycling facilities and systems	فناورانه-زیرساختی / Technological-Infrastructural

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱٤۰٤؛ Source: Research findings, 2025

در این بین، به منظور سنجش میزان موافقت مصاحبه‌شوندگان با هر یک از عوامل شناسایی شده از روش دلفی استفاده شد. از این رو، هر یک از عوامل مداخله‌گر در قالب پرسشنامه منعکس و در میان افراد توزیع شد. نظرسنجی در دو مرحله انجام شد و اختلاف بین دو مرحله نیز بررسی شد.

جدول ۸. میانگین دیدگاه‌های خبرگان حاصل از نظرسنجی مراحل اول و دوم در عوامل مداخله‌گر

Table 8. Average expert views from the first and second stage survey on intervening factors

عامل مداخله‌گر Intervening Factor	مقدار کریسپ مرحله اول Crisp Value (Phase 1)	مقدار کریسپ مرحله دوم Crisp Value (Phase 2)	اختلاف مقدار کریسپ Difference (Δ)
اقتصادی–معیشتی Economic-Livelihood	0.55	0.56	0.01
اجتماعی–فرهنگی Socio-Cultural	0.556	0.57	0.014
محیط‌زیستی و کالبدی Environmental-Physical	0.567	0.571	0.004
نهادی–مدیریتی Institutional-Managerial	0.56	0.571	0.011
فناورانه–زیرساختی Technological-Infrastructural	0.556	0.572	0.016

منبع: یافته‌های تحقیق، ۱٤۰٤؛ Source: Research findings, 2025

مطابق نتایج روش دلفی در جدول، متخصصان در رابطه با عوامل مداخله‌گر مطرح شده در مرحله دوم نسبت به مرحله اول موافقت بیشتری داشتند، و همچنین مطابق شکل (٤)، بیشترین میزان اختلاف در بین مرحله اول و دوم با مقدار اختلاف ۰/۰۱٦ در عامل (فناورانه–زیرساختی) است. در ادامه نیز بر اساس رویکرد داستان‌سرایی به بررسی هر یک از عوامل مداخله‌گر مطرح شده پرداخته شد.

٤- نتیجه‌گیری

پژوهش حاضر با هدف بررسی عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی–فضایی سکونتگاه‌های روستایی با تأکید بر کاربری اراضی در محور گردشگری شیراز–سپیدان، انجام شده است. نتایج بخش کمی پژوهش نشان داد که تغییرات کاربری اراضی به‌عنوان عامل کلیدی و تعیین‌کننده در تحولات کالبدی–فضایی روستاهای محور گردشگری شیراز–سپیدان عمل کرده است. این تحولات از طریق مکانیسم‌های پیچیده و چندلایه، ساختار فضایی، اقتصادی، اجتماعی و محیط‌زیستی این روستاها را دگرگون ساخته است. در بخش کیفی نیز عوامل مؤثر بر تحولات کالبدی–فضایی بررسی شد. از این رو، نتایج روش تئوری زمینه‌ای نشان داد که مقولاتِ توسعه زیرساخت‌های گردشگری، فشار بازار زمین و مسکن، سیاست‌های دولتی و برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تغییر الگوی معیشت و اقتصاد محلی و رونق دورکاری و افزایش تقاضا برای مکان‌های خلوت و طبیعت به‌عنوان عوامل علّی، مقولاتِ ویژگی‌های طبیعی و جغرافیایی، موقعیت استراتژیک و دسترسی، سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی، شرایط جمعیتی و نیروی انسانی و پتانسیل‌های اقتصادی به‌عنوان عوامل زمینه‌ای و مقولاتِ اقتصادی–معیشتی، اجتماعی–فرهنگی، محیط‌زیستی و کالبدی، نهادی–مدیریتی و فناورانه–زیرساختی، **به‌عنوان** عوامل مداخله‌گر از سوی مصاحبه‌شوندگان استخراج شد. نتایج پژوهش حاضر از جنبه‌های کلیدی با پیشینه تحقیق همسو است. برای نمونه، تأکید مطالعاتی مانند Sedighi و همکاران (۲۰۱۷) بر "توریستی بودن منطقه" و "افزایش ساخت‌وساز" و همچنین یافته‌های Yang (۲۰۲۲) در مورد "تغییر فضاهای تولیدی به مصرفی"، به وضوح در مقوله‌های استخراج‌شده حاضر مانند "توسعه زیرساخت‌های گردشگری" و "رونق دورکاری" بازتاب یافته است. با این حال، آنچه نوآوری این پژوهش را شکل می‌دهد، تلفیق نظام‌مند این عوامل در یک مدل علّی–زمینه‌ای–مداخله‌گر است. برخلاف مطالعات پیشین که غالباً به بررسی پراکنده عوامل پرداخته‌اند، این تحقیق نشان می‌دهد که چگونه "سیاست‌های دولتی" (عامل علّی) در تعامل با "سرمایه‌های فرهنگی و اجتماعی" (عامل زمینه‌ای) و تحت تأثیر "عوامل محیط‌زیستی" (عامل مداخله‌گر)، تحولات کالبدی–فضایی را در یک محور گردشگری مشخص و پیوسته شکل

می‌دهند. این نگاه سیستماتیک، درک عمیق‌تری از پویایی‌ها و مکانیسم‌های چندلایه مؤثر بر تغییر کاربری اراضی در مقایسه با مطالعات پیشین که اغلب به روابط خطی بسنده می‌کردند، ارائه می‌دهد. در این راستا، نتایج این پژوهش به‌خوبی نشان می دهد که توسعه گردشگری در محور شیراز-سپیدان، همچون شمشیری دو لبه عمل کرده است. از یک سو، ایجاد زیرساخت-های گردشگری و بهبود دسترسی، فرصت‌های اقتصادی جدیدی را برای ساکنان محلی ایجاد کرده و با تغییر الگوی معیشت از کشاورزی سنتی به فعالیت‌های وابسته به گردشگری، درآمدزایی جدیدی را به ارمغان آورده است. اما از سوی دیگر، این تحولات، هزینه‌های اجتماعی و محیط‌زیستی قابل توجهی داشته که نیازمند مدیریت هوشمندانه است. فشار بازار زمین و مسکن، دگرگونی در بافت اجتماعی و فرهنگی جوامع محلی، و تخریب محیط‌زیست از جمله این تبعات منفی هستند. در تبیین این پدیده، می‌توان به نقش کلیدی "کاربری اراضی" به‌عنوان حلقه اتصال تمامی ابعاد توسعه اشاره کرد. تغییر کاربری اراضی تنها یک تحول فیزیکی نیست، بلکه بازتابی از تقابل نیروهای اقتصادی، سیاست‌های دولتی و ارزش‌های اجتماعی است. نتایج پژوهش نشان می‌دهد که چگونه سیاست‌های برنامه‌ریزی منطقه‌ای، تقاضای بازار برای ویلاهای دوم، و جاذبه‌های طبیعی در کنار هم، الگوی نوینی از سکونت و فعالیت را در این محور گردشگری شکل داده‌اند. این تقابل و تعامل عوامل مختلف، منجر به شکل‌گیری بافتی پیچیده و چندلایه از تحولات کالبدی-فضایی شده است. در نهایت، یافته‌های این پژوهش حاوی پیام‌های سیاستی مهمی برای برنامه‌ریزان و مدیران منطقه‌ای است. موفقیت در مدیریت تحولات سکونتگاه‌های روستایی، مستلزم اتخاذ رویکردی همه‌جانبه‌نگر و یکپارچه است که بتواند بین ابعاد مختلف توسعه - اقتصادی، اجتماعی، محیط‌زیستی و کالبدی - تعادل برقرار کند. برنامه‌ریزی آتی باید با شناخت دقیق مکانیسم‌های تأثیرگذار بر تحولات فضایی، به سمت الگویی از توسعه پایدار گردشگری حرکت کند که هم‌زمان هم به حفظ هویت فرهنگی و محیط‌زیستی منطقه توجه داشته باشد و هم فرصت‌های معیشتی پایدار را برای جوامع محلی فراهم آورد. این پژوهش به‌خوبی نشان می‌دهد که بدون در نظر گرفتن تبعات چندبعدی تغییرات کاربری اراضی، دستیابی به توسعه متوازن و پایدار در مناطق روستایی با چالش‌های جدی مواجه خواهد بود.

۵- سپاسگزاری

نویسندگان از همه افرادی که با مشاوره، راهنمایی علمی و مشارکت خود در تهیه این مقاله همکاری کرده‌اند، تشکر و قدردانی می‌کنند.

٦- داده‌ها و اطلاعات

مبنای داده‌ها و اطلاعات مقاله حاضر، رساله دکتری نویسنده اول است.

۷- تعارض منافع

در این مقاله، تعارض منافعی وجود ندارد و این مسئله مورد تأیید همه نویسندگان است.

۸- مشارکت نویسندگان

با توجه به اینکه مقاله حاضر از رساله دکتری استخراج شده است، نویسنده اول به‌عنوان دانشجوی دکتری، نویسنده دوم به‌عنوان استاد راهنما و نویسنده سوم به‌عنوان استاد مشاور در تهیه آن مشارکت داشته‌اند. محتوای مقاله مورد تأیید همه نویسندگان است.

۹- اصول اخلاقی

نویسندگان، اصول اخلاقی را در انجام و انتشار این اثر علمی رعایت کرده‌اند و این موضوع مورد تأیید همه آنها است.

۱۰- حمایت مالی

این مقاله حامی مالی نداشته است.

۱۱- مراجع

1. Afrakhteh, H. Azizpour, F., & Zamani, M. (2015). Metropolitan links and physical-spatial changes in surrounding villages: A case study: Mohammadabad district, Karaj. *Housing and Rural Environment*, 34, 112-122.
2. Amar, T. (2006). Investigation and analysis of the development of second homes in rural areas: A case study of Khorgam district, Rudbar county. *Quarterly Journal of Geographical Perspective*, 1(1), 65-78.
3. Amar, T. (2013). Analysis of physical changes in rural settlements of Gilan province in order to develop a physical development model. *Journal of Physical-Spatial Planning*, 2(4), 60-72.
4. Amir Entekhabi, Sh. (2013). Physical-spatial development of coastal villages in Gilan (Case study: Zibakanar basin). *Journal of Physical-Spatial Planning*, 2(4), 113-122.
5. Briassoulis, H. (2009). Factors influencing land-use and land-cover change. Land cover, land use and the global change, encyclopaedia of life support systems (EOLSS), 1, 126-146.
6. Chang, M. (2024). Exploring Issues and Strategies of Rural Land Use and Environmental Protection. *Academic Journal of Science and Technology*, *10*(3), 32-36. https://doi.org/10.54097/wysrrp56.
7. Costanza, R., Arge, R., Groot, R., Farber, S., …., & Belt, M. (1997). The value of the world's ecosystem services and natural capital. *Nature*, Vol. 387, United Kingdom, pp. 253-260.
8. Daatakullo, E., Forkuo, E. K., Biney, E., Harris, E. & Quaye-Ballard, J. A. (2021). The impact of land use and land cover changes on socioeconomic factors and livelihood in the Atwima Nwabiagya district of the Ashanti region, Ghana. *Environmental Challenges*, 5, 100226. Doi: 10.1016/j.envc.2021.100226.
9. Deng, H., Zheng, P., Liu, T., & Liu, X. (2011). Forest ecosystem services and eco-compensation mechanism in China. *Journal of Environmental Management*, 48, 1079- 1085.
10. Dong, R., Yu, L., & Liu, G. (2008). Impact of tourism development on landcover change in a matriarchal community in the Lugu Lake Area. *International Journal of Sustainable Development & World Ecology*, 15(1), 28- 35.
11. Franco, L., & Magalhães, M. R. (2022). Assessing the ecological suitability of land-use change. Lessons learned from a rural marginal area in southeast Portugal. Land Use Policy, 122.
12. Ghadami, M., Aligholizadeh Firouzjaei, N., & Bordi Anamarnejad, R. (2009). Investigating the role of tourism in destination land use changes (Case study: Nowshahr, central part of the city). *Regional and Urban Studies and Research,* 3(1), 21-42.
13. Hosseini Hasel, S. (2010). A comparative study of the physical-spatial development trend of rural settlements around Tehran metropolis (after the Islamic Revolution) with emphasis on the rural complexes of Kahrizak and Rudbar Ghasran. PhD Thesis in Geography and Rural Planning, Shahid Beheshti University, Tehran, Iran.
14. jafari, H., & shakhali, M. (2016). Tourism's Role in the Physical and Functional Revolutionize of Rural Settlements (Case Study: Villages in the Central Subarea County of Lahijan). *Regional Planning*, *6*(23), 191-200.

15. Javanshiri, M., Anabestani, A. A., & Sajasi Gheidary, H. (2019). Investigating the factors affecting the physical-spatial changes in rural settlements of Mashhad urban complex. *Journal of Geography and Urban Space Development*, *6*(2), 17–47. https://doi.org/10.22067/gusd.v6i2.75067
16. Jorjani, H. (2009). Physical development of the city and its impact on the change of agricultural land use. Master's thesis, Faculty of Geography, University of Tehran.
17. Leman, N., Firooz Ramli, M., & Puteri, R. (2015). GIS-based integrated evaluation of environmentally sensitive areas (ESAs) for land use planning in Langkawi Malaysia. *Ecological Indicators*, 61, 293-308.
18. Monshizadeh, R., & Sadeghi, M. (2010). Spatial changes in peri-urban villages with emphasis on village–city interaction (Case study: Peri-urban villages of Noorabad Mamasani). *Human Settlements Planning Studies*, *5*(12), 131–153.
19. Ndubisi, F., Meo, T., & Ditto, N. (1995). Environmentally sensitive areas: A template for developing greenway corridors. *Landscape and Urban Planning*, 33, 159-177.
20. Sadeghi, M., Saeedi, A., Monshizadeh, R., & Azizpour, F. (2018). The physical-spatial development trend of villages around Kashan during the period 1976-1976. *Quarterly Journal of Geography and Urban-Regional Planning,* 29, 36-49.
21. Sadeghloo, T., & Erfani, Z. (2001). Analysis of factors of land use change in rural areas using a grounded theory approach. *Ahar Geographical Space Scientific Quarterly*, 21, 35-54.
22. Saeedi, A., & Hosseini Hasel, S. (2007). Metropolitan integration of rural settlements: A case study of Tehran metropolis and its periphery [In Persian]. *Geography (Journal of the Iranian Geographical Association)*, *5*(12-13), 7–18.
23. Saeedi, A., & Soltani, R. (2004). The role of metropolitan linkages in the physical-spatial transformation of peripheral villages, a case study: Hesar villages in the metropolitan area of Mashhad. *Journal of Geography*, 2(3), 35-49.
24. Sedighi, S., Darban Astana, A., & Rezvani, M. (2017). Investigation of physical and political factors affecting land use change in Mahmoud Abad. *Scientific and Research Quarterly Journal of Geographical Spatial Planning*, 7(2), 39-58.
25. Shahsavari, A., & Akbari, M. (2018). Potential of solar energy in developing countries for reducing energy-related emissions. *Renewable and Sustainable Energy Reviews*, 90, 275-291.
26. Solecki, D. (2001). The role of global-to-local linkages in land use/land cover changes in South Florida. *Ecological Economics*, 37, 339–356.
27. Srivastava, P. K., Han, D., Rico-Ramirez, M. A., Bray, M., & Islam, T. (2012). Selection of classification techniques for land use/cover change investigation. *Advances in Space Research*, 50, 1250-1265. http://dx.doi.org/10.1016/j.asr.2012.06.032.
28. Steiner, F., McSherry, L., & Kohen, J. (2000). Land suitability analysis for the upper Gila River watershed. *Landscape and Urban Planning*, 50, 199-214.
29. Taghvaye Salimi, E., Soleimani, K., Habibnejad Roshan, M., & Sabetraftar, K. (2008). Land use planning for land management using the geographic information system (GIS) in the Loumir watershed of Guilan province in northern Iran. *Caspian Journal of Environmental Sciences*, 6(2), 141-149.
30. Thuo, A., & Maina, D. (2010). Community and social responses to land use transformations in the Nairobi rural-urban fringe, Kenya. Field Actions Science Reports [Online], Special Issue 1.
31. Trenouth, W., & Gharabaghi, B. (2015). Soil amendments for heavy metals removal from storm water runoff discharging to environmentally sensitive areas. *Journal of Hydrology*, 529, 1478-1487.
32. Valbuena D., Verburg P. H., Bregt A. K., & Ligtenberg A. (2010). An agent-based approach to model land-use change at a regional scale. *Landscape Ecology*, 25(2), 185-199.

33. Vijayan, A., Maina, J. M., Lawson, R., Chang, H. C., Beaumont, L. J., & Davies, P. J. (2021). Land use planning to support climate change adaptation in threatened plant communities. *Journal of Environmental Management*, 298, 113533. Doi: 10.1016/j.jenvman.2021.113533.
34. Vishkaei, M., Amar, T., Pourramazan, A., & Basit Ghoreishi Minabad, M. (2013) Physical-spatial changes in rural settlements with emphasis on tourism (Case study: Coastal villages of Rasht city). *Quarterly Journal of Geographical Studies of Coastal Areas*, 4(1), 99-117.
35. World Bank. (1992). World development report: development and environment. World Bank, Washington, D. C., 322 p.
36. Xi, J., Kong, Q., & Wang, X. (2015). Spatial polarization of villages in tourist destinations: A case study from Yesanpo, China. *Journal of Mountain Science*, 12(4), 1038-1050.
37. Yang, J., Ma, H., & Weng, L. (2022). Transformation of rural space under the impact of tourism: The case of Xiamen, China. *Land*, 11(6), 928. https://doi.org/10.3390/land11060928.
38. Zakavat, K. (2011). The place of spatial organization in urban design. *Soffeh Journal*, 21(54), 107-122.